

مرد جنایتکار آمریکایی، پس از این حمله به مناطق کوهستانی گریخت و به مدت پنج سال مخفیانه زندگی کرد اما سرانجام مأموران پلیس در سال ۲۰۰۳ توانستند وی را که در محل جمع‌آوری زباله‌ها در یک مرکز خرید مخفی شده بود، دستگیر کنند. او در جلسه محاکمه‌اش گفت که علت بمب‌گذاری در پارک المپیک، حضور افرادی از کشورهای مختلف با نژادهای پست بود؛ انسان‌هایی که از نظر او و پیشوایش (هیتلر) حق زندگی و نفس کشیدن در این دنیا را نداشتند!

### کریکت و باز هم مرگ

بسیاری از ما از شنیدن جمله «من که گفته بودم» خاطرات خوشی در ذهن نداریم. شنیدن این جمله به معنی پیش آمدن رخدادی ناگوار در پی نشنیده گرفتن هشدار اطرافیان است اما این درست همان چیزی است که «نیوزیلند» آن را تجربه کرده. استرالیا، همسایه کشور نیوزیلند از سال ۱۹۹۸ به دلیل عدم امنیت جانی، از سفر به پاکستان دوری جسته و هشدارهای مکرری به همسایه‌اش (نیوزیلند) بر عدم حضور در این کشور داده بود. با این حال مسئولان کریکت نیوزیلند این هشدارها را نادیده گرفتند تا سرانجام در سال ۲۰۰۲، توانش را به دراماتیک‌ترین شکل ممکن پس دادند. در هشتم مه ۲۰۰۲، یک حمله تروریستی در مجاورت هتلی که میزبان تیم ملی کریکت نیوزیلند در کراچی پاکستان بود؛ اتفاقی تلخ به وقوع پیوست؛ گرچه در اثر این حمله، هیچ‌یک از بازیکنان تیم ملی کریکت نیوزیلند کشته نشدند اما ۱۴ نفر از جمله ۱۱ نیروی دریایی فرانسه، فیزوتراپ تیم و دو پاکستانی جان خود را از دست دادند.

### ترور اسکوبار

«بیل شنکلی» جمله‌ای ماندگار دارد: «بعضی‌ها فکر می‌کنند فوتبال مسأله مرگ و زندگی است اما من شخصاً به شما اطمینان می‌دهم که فوتبال بسیار جدی‌تر از این چیزهاست.»

متأسفانه این جمله‌ای است که با قتل «آندرس اسکوبار» بازیکن محبوب و مطرح تیم ملی کلمبیا رنگ واقعیت به خود گرفت.

تیم ملی کلمبیا پس از کسب جواز حضور در رقابت‌های جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا، موجی از شادی در کشور به راه انداخت و بسیاری از فوتبال‌دوستان این کشور امید زیادی به موفقیت تیم ملی کشورشان داشتند. با این وجود شاگردان «فرانسیسکو ماتوران» بازی نخست‌شان مقابل رومانی را واگذار کردند و برای ادامه حضور در جام (در جام جهانی ۱۹۹۴ بهترین تیم‌های سوم نیز شانس صعود به مرحله بعدی را داشتند) چاره‌ای جز پیروزی در مقابل تیم ایالات متحده پیش روی خود نمی‌دیدند اما گل به خودی «آندرس اسکوبار» تمام امیدهای کلمبیا را نقش بر آب کرد و این تیم از مسابقات حذف شد. ۱۰ روز بعد از این شکست در دوم جولای ۱۹۹۴، اسکوبار که به همراه سایر بازیکنان به کشورش باز گشته بود، در محوطه پارکینگ یک رستوران در «مدلین» به طرز فجیعی به قتل رسید. این خبر تمامی کشور را به غم و اندوه فرو برد. تمامی مردم خواستار مجازات عاملین این اقدام شدند. تحقیقات پلیس به سرعت نتیجه داد و پیش از اتمام شب، عامل قتل او شناسایی شد: «هومبرتو کاسترو موناز» بادیگارد «پابلو اسکوبار» قاچاقچی معروف کلمبیایی که گروه مافیایی‌اش روی صعود کلمبیا به مرحله بعدی رقابت‌های جام جهانی شرط‌بندی کلانی کرده بود! هومبرتو در شب جنایت، پس از شناسایی آندرس در یک رستوران و به دام انداختنش در محوطه پارکینگ در ساعت ۳ بامداد، با کشیدن اسلحه، ۶ بار متوالی به مدافع محبوب تیم ملی کلمبیا شلیک کرد و پس از هر شلیک فریاد «گل» سر داد!

### موتورهای خاموش

«خطر» و «رالی داکار» همواره با هم عجین هستند. این واقعیتی است که هم شرکت‌کنندگان و هم تماشاچیان این مسابقه به آن واقفند ولی در رقابت‌های سال ۲۰۱۵، نوع جدیدی از خطر و تهدید به نمایش درآمد؛ القاعده و تروریسم! موریتانی که یکی از مراکز اصلی رقابت‌ها است پس از قتل ۴ توریست فرانسوی در این منطقه، ناامن تشخیص داده شد. سی‌امین دور رقابت‌های رالی داکار که قرار بود روز پنجم ژانویه آغاز شود، برای اولین بار در تاریخ این رقابت‌ها به دلیل نگرانی‌های امنیتی لغو شد. مسئول برگزاری مسابقات برای اعلام خبر لغو رقابت‌ها جمله «بزرگواران، موتورهای‌تان را خاموش کنید» به زبان آورد.

رژیم صهیونیستی را مطرح کردند؛ درخواستی که از سوی «گلدا مایر» نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی با قاطعیت رد شد! پس از گذشت نیمی از روز، فلسطینی‌ها که از تحقق خواسته‌های‌شان ناامید شده بودند، پیشنهاد انتقال گروگان‌ها به مصر را روی میز قرار دادند. این پیشنهاد با موافقت سرویس سری و امنیتی آلمان مواجه شد اما در پس ماجرا، یک عملیات مخفیانه دیگر در حال طراحی بود. زمانی که گروگان‌گیرها با به محوطه فرودگاه گذاشتند به این نکته پی بردند که در دام اطلاعاتی گرفتار شده‌اند؛ پروژکتورها روشن شد و دو طرف به چیزی جز خالی کردن خشاب‌های خود فکر نمی‌کردند. در نهایت مهاجمین تصمیم به کشتار گروگان‌ها گرفتند و به این ترتیب تمامی گروگان‌ها در مقابل دیدگان نیروهای امنیتی به قتل رسیدند. پلیس آلمان نیز همه گروگان‌گیرها را به گلوله بست و در نهایت تنها ۳ نفر از آنها را زنده باقی گذاشت.



### انفجار بمب در پارک المپیک آتلانتا

پارک المپیک آتلانتا در دهکده المپیک آمریکا، میزبان ورزشکاران شرکت‌کننده در مسابقات سال ۱۹۹۶ بود. در بیست‌وهفتم جولای، صدها نفر از مردم عادی برای دیدن یک کنسرت در این پارک گرد هم آمده بودند که ناگهان صدای مهیبی کل شهر را به لرزه درآورد. «اریک رودلف» نظامی سابق ارتش آمریکا پس از اخراج از ارتش - به دلیل استفاده از مواد مخدر در حین خدمت - فرقه‌ای نژادپرست را تشکیل داد. او «آدولف هیتلر» را به دلیل کشتن یهودیان، همجنس‌گرایان و افراد معلول ستایش می‌کرد و معتقد بود که اشخاص ضعیف فایده‌ای برای جامعه ندارند و باید از چرخه حیات حذف شوند. رودلف در المپیک پارک آتلانتا زیر یک نیمکت مواد منفجره جاسازی کرد که در اثر این حمله تروریستی ۲ نفر جان باخته و بیش از ۱۲۰ نفر مجروح شدند.



گروه‌های جدایی طلب ایرلندی موجب شد پلیس وارد کار شود و در یک چشم بهم زدن پس از دریافت تهدید، ۶۰ هزار تماشاچی مسابقات از جمله «پرنسس آنه»، شرکت‌کنندگان، مسئولان برگزاری، اسب‌ها و ساکنین نزدیک به محوطه را تخلیه و از منطقه خطر دور کند تا از امن بودن محوطه اطمینان یابند.

تهدید توخالی تشخیص داده و پس از دو روز تعویق، مسابقه از سر گرفته شد. بیش از ۲۰ هزار نفر برای تماشای این رقابت پا به محوطه برگزاری مسابقات اسب‌سواری گذاشتند اما آنچه بیش از هر چیزی خودنمایی می‌کرد شرط‌بندی جمعیت کثیری روی احتمال بمب‌گذاری واقعی در جریان مسابقه بود!

### قتل عام در ماراتن سال نو

در سریلانکا رسم است که با شروع سال نو، مسابقه سنتی «دوی ماراتن» انجام شود. در ۹ آوریل ۲۰۰۹ نیز برگزاری این مراسم در تقویم برنامه‌های شهر قرار گرفت. حتی وزیر راه و جاده وقت سریلانکا نیز با حضور در میان مردم، در این مراسم شرکت کرد اما در میانه مسیر، ناگهان حمام خون به راه افتاد. بینندگان تلویزیونی که به طور زنده شاهد تماشای این مسابقه سنتی بودند، ناگهان تنها صدای جیغ و خون‌های ریخته شده روی زمین را مقابل دیدگان‌شان دیدند. با منفجر شدن بمبی که در میانه مسیر جاسازی شده بود، ۱۴ نفر از جمله وزیر راه و جاده کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی شدند. این بمب به خاطر جنگ «تامیلی‌ها» در «کامپاها» در مسیر ماراتن منفجر شد.



### سپتامبر سیاه مونیخ

بدون شک این روز «سیاه‌ترین روز» در تاریخ مسابقات المپیک به حساب می‌آید؛ المپیک ۱۹۷۲ مونیخ قرار بود نقطه عطفی در روابط بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم باشد. رویایی که خیلی زود رنگ باخت و به مسلخ ترورسیم در آمد.

### ترورسیم بر خاسته از انتقام!

در روز پنجم سپتامبر سال ۱۹۷۲ و در ساعت پنج صبح، هشت مبارز فلسطینی عضو گروه «سپتامبر سیاه» به کمپ ورزشکاران رژیم صهیونیستی در دهکده «المپیک مونیخ» یورش برده، با سلاح‌هایی که در ساک‌های ورزشی جاسازی شده بود کمپ را به تصرف خود درآوردند و یازده نفر از ورزشکاران رژیم صهیونیستی را گروگان گرفتند. البته در جریان این تصرف، دو نفر از ورزشکاران رژیم صهیونیستی دست به مقاومت زدند که نتیجه‌ای جز مرگ برای‌شان به همراه نداشت. پلیس آلمان در ادامه با استفاده از پلیس‌های مخفی در لباس ورزشکاران، یک عملیات نجات مخفیانه را طرح‌ریزی کرد؛ عملیاتی که یکی از دوربین‌های تلویزیونی حاضر در محل، به صورت زنده آن را پوشش داده بود! همین امر باعث شد که گروگان‌گیران نیز متوجه قضیه شده و تهدید به قتل دو گروگان دیگر کنند. به این ترتیب، عملیات نجات گروگان‌ها متوقف شد. مهاجمان درخواست آزادی بدون قید و شرط ۲۳۴ زندانی فلسطینی در بند

